

چالش‌های خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن

دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۵

پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۱۱

سید وحید مدرس*

مهربان پیکانی**

چکیده

به دنبال بروز پدیده جهانی شدن، موضوعاتی پیرامون تنوع فرهنگی، بر ابعاد زندگی ملت‌ها و حکومت‌ها سایه افکنده است. پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای - اسنادی تحلیلی، با هدف بررسی «چالش‌های خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن» با استفاده از منابع معتبر علمی و پژوهشی انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که تنوع فرهنگی، نه تنها تهدیدی برای زندگی بشر نبوده بلکه منشأ همه نوآوری‌ها، خلاقیت‌ها و ابداعات انسان بوده و این خط‌مشی‌های اخذ شده توسط دولت‌هاست که سرچشمه بسیاری از چالش‌های شهروندان جهانی بوده است. خط‌مشی‌گذاران تلاش کرده‌اند تا از طریق اتخاذ سیاست‌های تقویت‌کننده، تحدیدکننده و بینابینی اقدام به مدیریت تنوع فرهنگی نمایند که البته جهانی شدن موجب بروز چالش‌هایی بر سر راه فرایند خط‌مشی‌گذاری از قبیل تنوع فرهنگی مشکل عمومی محلی یا جهانی، دولت - ملت ملی و فراملی، نبود نظام ارزشی بین‌المللی، قدرت و بازیگران جهانی خط‌مشی‌گذاری، محیط جهانی به‌عنوان زمینه خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی شده است.

واژگان کلیدی

فرهنگ جهانی، تنوع فرهنگی، جهانی شدن، خط‌مشی‌گذاری

* دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی - خط‌مشی‌گذاری، استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، نویسنده مسئول vahidmodares@yahoo.com

** دکتری مدیریت دولتی - منابع انسانی، عضو هیئت علمی (دانشیار) دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) دانشکده مدیریت paykani2323@gmail.com

«وَمِنْ آيَاتِهِ ... وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَأْنِكُمْ» (روم: ۲۲)؛

از نشانه‌های خداوند اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شماست.

مقدمه

ابداع، مبادله و اشاعه پدیده‌های فرهنگی از دیرباز به‌عنوان پدیده‌ای رایج در جوامع انسانی مطرح بوده است؛ از این‌رو، می‌توان ادعا کرد که تنوع فرهنگی از ابتدایی‌ترین تجارب بشر اجتماعی است. فرآیند جهانی شدن^۱، تمامی جوامع و فرهنگ‌ها را به واکنش واداشته است و در مسیر تکاملی خود فرهنگ‌های ملی و محلی را به چالش کشیده است.

به دنبال بروز پدیده جهانی شدن، موضوعاتی پیرامون تنوع، مخصوصاً تنوع قومی، مذهبی، زبانی و... (در یک کلام تنوع فرهنگی) و تأثیرات ناشی از آن بر ابعاد زندگی ملت‌ها و حکومت‌ها سایه افکنده است. تمامی جوامع انسانی، ظرفیت ایجاد فرهنگ را دارا می‌باشند. این به‌دلیل توانایی انسان در نیروی آفرینش‌گری و خلاقیت و نوآوری نوع بشر است. «رودخانه رنگین‌کمان» برگرفته از «ملت رنگین‌کمان» که نلسون ماندلا برای توصیف آفریقای جنوبی به کار برد، از ۱۵۰ هزار سال پیش (بدو پیدایش) از حرکت نایستاده است. بسیاری از صاحب‌نظران همانندسازی^۲ تحمیلی فرهنگی را در اثر رشد روزافزون فناوری‌های ارتباط‌جمعی، تحقق وعده «دهکده جهانی» و بروز پدیده «جهانی شدن» ناگزیر می‌دانند، اما نباید قدرت رودخانه خروشان خلاقیت و نوآوری را نادیده گرفت. پس هر اس از یکسان‌سازی فرهنگی بی‌پایه و اساس است (آریسپه^۳، ۱۳۷۹).

همزمان با بروز فرصت‌های جدید برای مبادلات فرهنگی ناشی از ظهور پدیده جهانی شدن، اشکال جدیدی از تعرض از قبیل بیگانه‌ستیزی، نژادپرستی، تعصب، نفرت عمومی، طرد و تبعیض که اغلب ناشی از قومیت‌گرایی و تنوع مذهبی و جنسیتی است، ظاهر شده است. این امر سبب گردیده است که در مقابل عامل تفاوت که همان «تنوع فرهنگی» قلمداد می‌شود، مقاومت‌های شدیدی صورت بگیرد و تلاش شود تا به خیال خود با انکار تنوع و از بین بردن شواهد آن، خشونت و رنج ناشی از آن را از بین ببرند، اما باید توجه داشت که هر مانعی در برابر جهان خارج به حصر درونی منتج خواهد شد.

علاوه بر این، با شدت گرفتن تنوع فرهنگی در یک جامعه درخواست‌ها برای اقدامات و خط‌مشی‌ها دولت‌ها در راستای خواسته‌های گروه‌های متنوع، در سطح محلی و جهانی بیشتر و جدی‌تر خواهد شد. از دیدگاه بعضی از شهروندان خرده‌فرهنگ‌ها، گروه اکثریت، خصوصاً اکثریت قومی، به‌نوعی تهدیدی در مقابل خرده‌فرهنگ‌ها و یا هویت ملی محسوب می‌گردد و نیازهای فرهنگی آن‌ها را با نگرانی و چالش روبه‌رو می‌کند؛ به‌عبارت‌دیگر تنوع فرهنگی به‌نوعی بر دولت‌ها برای اتخاذ و اعمال خط‌مشی‌ها و خط‌مشی‌های مشخص و اطمینان‌بخش در راستای خرده‌فرهنگ‌ها و نیازهای فرهنگی آن‌ها از سوی بازیگران محلی و جهانی خط‌مشی تحت فشار قرار می‌گیرد.

در دنیای امروز و در شرایط فعلی تعارضات و منازعات فرهنگی در اثر ناتوانی بشر در تغییر افکار و پیش‌داوری‌های ذهنی انسان‌ها بوده است؛ زیرا رشد چندفرهنگ‌گرایی و مهارت‌های برخورد با آن بدون درک تفاوت‌های فرهنگی امکان‌پذیر نیست (Teerikangas, 2002, pp.2-4). کلود لوی-اشتروس بیان کرده است: «تنوع بیش از آنکه حاصل کارکرد تفکیک گروه‌ها باشد، نتیجه روابطی است که منجر به اتحاد آن‌ها می‌گردد»؛ پس باید تنوع فرهنگی را به فال نیک گرفت و با تأکید بر نقاط اشتراک آن‌ها و شناخت چنین فرصت‌هایی از آن بهره برد (اشتراوس، ۱۳۷۹).

طی چند دهه گذشته همزمان با گسترش جهانی شدن، جوانه‌هایی از ابعاد جغرافیایی و سیاسی تنوع فرهنگی همراه با ارزش‌های اجتماعی و گرایش‌های فرهنگی تنوع، شروع به رشد کرده است و عوارض ناشی از آن، توجه و علاقه بیش‌ازپیش دولت‌ها، به مسئله تنوع فرهنگی و خط‌مشی‌های اتخاذشده مرتبط به تنوع از قبیل؛ مهاجرت، تغییرات در ساختار خانواده، تعارضات قومی و نژادی، افراطی‌گری مذهبی و رشد حملات تروریستی را باعث شده است؛ از آن جمله می‌توان به اقدام نیوزیلند در ارائه طرح‌های «تنوع‌محور»^۴ و برگزاری «مجامع بررسی حقوق شهروندی»^۵ در مجلس این کشور در ۲۴ اوت ۲۰۰۴ با کمک کمیساریای عالی حقوق بشر برای دستیابی به تعادل تنوع فرهنگی در بین ارتباطات اقوام این کشور اشاره کرد. در پی این اقدام برنامه‌ای مشتمل بر ۱۰ گام شامل برگزاری مجامع و اجلاس مجازی، تشویق به پژوهش پیرامون تنوع فرهنگی و ترویج ویژگی‌های تنوع فرهنگی از طریق رسانه‌های جمعی تهیه و تدوین گردید. همین مباحث

دولت‌ها را مجبور ساخت تا در قبال تنوع مخصوصاً تنوع فرهنگی خط‌مشی‌های مناسب را اتخاذ کنند (Statistics New Zealand, 2004).

از نیمه دوم قرن بیستم، مباحثی نظری در خصوص نقش دولت‌ها در مورد فرهنگ و ابعاد آن (تنوع فرهنگی) ادبیات خط‌مشی‌گذاری عمومی را به موضوعاتی نظیر دولت در عمل (Jobert & Pierre, 1984, 1984) و دولت در واقع (Padioleau, 1982)، به خود جلب کرده است. فرهنگ خط‌مشی‌گذاری برای مشکلات عمومی^۶ و رفع آن، مستلزم اقدام اقتدار عمومی است. انتخاب راه‌حل‌ها^۷ و خط‌مشی‌گذاری عمومی، بیانگر کارآمدی خط‌مشی‌گذار (دولت‌ها، دولتمردان و سیاستمداران) و شایستگی او در احراز مسئولیتش بوده و در نتیجه ابقا یا رفتن او از آن سمت را رقم خواهد زد. اقدامات خط‌مشی‌گذاری فرهنگی دولت‌ها، آن‌ها را به دو دسته کلی: «نظارت و حمایت» و «تصدی‌گری» متمایز کرده است. البته دولت‌های نظارت به دو دسته دولت حداکثر (فرانسه) - خط‌مشی‌گذار - و دولت حداقل (ایالات متحده آمریکا) - عدم دخالت - متمایز شده، اما هر دو در اساس شکل‌گیری و توسعه فرهنگ با یکدیگر به شکل‌گیری، بازتولید و تغییر فرهنگ، تنوع فرهنگی و خلاقیت فرهنگی در جامعه باور دارند (وحید، ۱۳۹۰). دولت تصدی‌گر (ایران)، تدوینگر اصول سیاست‌های فرهنگی با نگاهی از بالا به پایین به تمامی عرصه‌های فرهنگی کشور علی‌الخصوص تنوع فرهنگی بوده است (حسین‌لی، ۱۳۷۹).

از آنجاکه تنوع فرهنگی به‌عنوان یک مسئله عمومی در عصر جهانی شدن رخ نموده و اهمیت و ضرورت پرداختن به اصول فرهنگ خط‌مشی‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی از سوی دولت‌ها مشخص گردید، تلاش‌ها و پژوهش‌های زیادی انجام‌شده تا ضمن اطلاع دقیق از ماهیت و واقعیت تنوع فرهنگی به مسائل مرتبط با آن از جمله خط‌مشی‌گذاری عمومی بپردازند. در دنیای علمی، ادبیات مربوط به تنوع، رشدی قارچ‌گونه داشته است؛ در این‌بین مباحثی نظیر محیط‌های چندفرهنگی، کثرت‌گرایی، همانندسازی، حقوق اقلیت و صدای سکوت و... بیش از همه مطرح و حواشی آن‌ها مقالات علمی زیادی نوشته و منتشر شده است. بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده بر مبنای پارادایم انتقادی و در جهت انتقاد از وضعیت جاری اقلیت‌ها و در پی کشف واقعیت

نهفته خرده‌فرهنگ‌ها در جوامع متکثر و با هدف رساندن صدای سکوت به جامعه اکثریت و به‌نوعی ادعای رهایی‌بخشی اقلیت مطرح کرده‌اند؛ اما غافل از اینکه این مسئله یک مشکل و دغدغه فرهنگی است که باید در قالب یک پدیده در حیطه مطالعات فرهنگی و از طریق خط‌مشی‌ها و خط‌مشی‌های مترتب بر آن پیگیری و در جهت حل مسئله اقدام شود، نه اینکه فقط به ارائه دامنه وسیعی از اطلاعات پیرامون موضوع بسنده شود.

مقاله حاضر درصدد پاسخ به چند سؤال اساسی پیرامون خط‌مشی‌گذاری و تنوع فرهنگی و چالش‌های مرتبط با این پدیده در عصر جهانی شدن برآمده است که عبارت‌اند از: چگونگی پاسخ سیاست‌گذاران و خط‌مشی‌گذاران به الزامات تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن و چگونگی تأثیر تنوع فرهنگی بر اجرای خط‌مشی‌های اتخاذشده و در نهایت چالش‌های خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن چیست؟

جهانی شدن

مفهوم جهانی شدن از اواسط دهه ۱۹۸۰ به بعد رواج بیشتری یافت. توسعه و گسترش آن به‌عنوان یک مفهوم خاص و علمی جامعه‌شناسی بیش از همه مدیون رونالد رابرتسون است. وی معتقد است جهانی شدن مفهومی است که هم به تراکم جهانی و هم به تشدید آگاهی درباره جهان به‌عنوان یک کل، هم وابستگی متقابل و واقعی جهانی و هم آگاهی از یکپارچگی جهانی اشاره می‌کند (Robertson, 1992).

واترز^۱ جهانی شدن را فرآیندی اجتماعی می‌داند که در آن قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده از این قیدوبندها آگاهی می‌یابند. گروهی جهانی شدن را «جریان یافتن گسترده تجارت و به کار انداختن سرمایه در میان کشورها» تعریف می‌کنند. عده‌ای جهانی شدن را به فرایند امحای محدودیت‌هایی اطلاق می‌کنند که دولت‌ها بر فعالیت‌های میان کشورها برقرار کرده‌اند و هدف آن به وجود آوردن اقتصاد جهانی آزاد و بدون مرز است. این عده معتقدند که جهانی شدن شعاری برجسته برای توصیف فرایند یکپارچگی بین‌المللی است. گروهی نیز معتقدند که جهانی شدن عبارت است از فرایند انتشار تجربیات و هدف‌های گوناگون برای مردم چهار گوشه دنیا (شولت، ۱۳۸۲، ص ۷).

جهانی شدن به معنای بین‌المللی شدن^۹ (رشد تجارت و سرمایه)، جهانی شدن به معنای جهان‌گستری^{۱۰} (فرآیند انتشار تجربیات و هدف‌های گوناگون برای تمام مردم دنیا)، جهانی شدن به معنای آزادسازی^{۱۱} (به وجود آمدن اقتصاد آزاد و بدون مرز)، جهانی شدن به معنای تجدید شکل‌بندی جغرافیایی یا قلمروزدایی^{۱۲} (به معنای فضای اجتماعی دیگر برحسب سرزمین‌ها، فاصله اراضی و مرزهای سرزمینی شناسایی نمی‌شوند)، جهانی شدن به معنای غربی‌گرایی یا نوگرایی^{۱۳} پویایی که از طریق آن ساختارهای اجتماعی نوگرایی مانند سرمایه‌داری، عقل‌گرایی، صنعت‌گرایی، دیوان‌سالاری گسترش می‌یابد (قلی‌زاده، ۱۳۹۰).

جهانی شدن دارای چندین ویژگی اساسی است:

* جهانی شدن تک‌بعدی نیست بلکه فرآیندی منسجم و یکپارچه است که در تمام عرصه‌ها رسوخ می‌کند.

* جهانی شدن پدیده‌ای چالشگر است که بسیاری از قلمروهای کلاسیک همچون دولت، اقتدار، فرهنگ، حاکمیت و ... را درنور دیده است. در این معنا، هسته اصلی مفهوم جهانی شدن این است که دیگر واحد «دولت ملی» چارچوب کارآمد و مناسبی برای تبیین بسیاری از پدیده‌ها و رویدادهای فعلی نیست (اسکلیر، ۱۹۹۹، ص ۱۰۲).

* جهانی شدن یک وضعیت گذار است نه یک وضعیت غایی، که با فرایند «شدن» سروکار دارد. در این معنی جهانی شدن، روندی اجتناب‌ناپذیری است که منتج از برخی تحولات تاریخی است و به صورت یک وضعیت پایدار باقی نمی‌ماند و عاقبت خود وارد مرحله دیگری می‌شود که از آن به‌عنوان «جهان یکپارچه‌شده» یاد می‌کنند.

* جهانی شدن با تمام مخالفت‌ها و موافقت‌ها «نه خیر است و نه شر»؛ به عبارتی، «هم مهلک است و هم منجی». در حقیقت این فرایند در تمامی ابعاد خود دارای قواعد بازی خاص است که اگر دولت‌ها بخواهند سعادت شهروندان خود را تأمین نمایند، به‌ناچار باید به آن قواعد تن در دهند.

* جهانی شدن پدیده‌ای تناقض‌نما^{۱۴} است که با مفاهیم دوگانه‌ای چون جهانی-محلی، منطقه‌گرایی-جهانی‌گرایی و ... همراه است. یا به گفته باومن^{۱۵} نظم جدیدی موسوم به بی‌نظمی نوین جهانی است (قلی‌زاده، ۱۳۹۲).

به‌طور کلی جهانی شدن، دارای معانی گسترده‌ای است که هر یک دیدگاهی را تشریح می‌کند اما در واقع فرایندهایی که رویدادها، تصمیمات و فعالیت‌های رخ داده در یک نقطه از جهان را به بخش‌های دیگر انعکاس می‌دهد و منجر به تأثیراتی در سایر جوامع و تک‌تک بخش‌های آن می‌شود، به‌گونه‌ای که تصمیمات و خط‌مشی‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی سایر جوامع (دولت-ملت) را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، این تغییرات نقش مرزهای جغرافیایی را به حداقل کاهش داده و حتی منافع عمومی و تمام کشورها را به هم گره می‌زند و پیوندهای بین‌المللی را به حداکثر می‌رساند (کاووسی، ۱۳۹۴).

فرهنگ، تنوع فرهنگی و فرهنگ جهانی

نظر به اینکه «تنوع فرهنگی»^{۱۶} و جهانی شدن موضوع اصلی ما بوده است، در گام اول باید به تعریف «فرهنگ»^{۱۷} پرداخت؛ زیرا با مشخص شدن تعریف فرهنگ، مشخص خواهد شد که چه تفاوت‌ها و مضامینی باعث بروز تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن خواهد شد.

تعریف گیدنز برای توصیف فرهنگ، بیشتر به مبحث تنوع نزدیک‌تر می‌نماید؛ فرهنگ ارزش‌هایی است که یک گروه معین دارند؛ هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند و به‌طور کلی، به شیوه زندگی اعضای جامعه اطلاق می‌شود؛ چگونه لباس می‌پوشند، رسوم ازدواج و زندگی خانوادگی مراسم مذهبی و سرگرمی‌های اوقات فراغت ... همه را در بر می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۴، ص ۵۶). بر اساس این تعریف فرهنگ ازلی^{۱۸} یا ابزار^{۱۹} و ساخت‌یابنده^{۲۰} تنوع آشکار می‌شود (صالحی امیری، ۱۳۸۹، ص ۱۸).

به عبارتی، می‌توان گفت: فرهنگ حاصل یادگیری افراد است و با توجه به اینکه هر قومی راه و روش خاص خود را دارد، این راه و روش می‌تواند به دلیل مهاجرت، از جایی به جای دیگر منتقل شود. انسان‌ها می‌توانند از فرهنگ‌های یکدیگر اثرگذاری و اثرپذیری داشته باشند؛ در واقع، در یک جامعه و سازمان تنوعی از فرهنگ‌ها را می‌توان مشاهده کرد (مدرس، ۱۳۹۲).

مراد از خرده‌فرهنگ^{۲۱}، عناصر فرهنگی متمایز از فرهنگ غالب در جامعه است؛ برای مثال، مهاجران به یک منطقه، به علت تفاوت فرهنگی با فرهنگ منطقه میزبان، دارای خرده‌فرهنگ هستند و عناصر فرهنگی متمایز از آن‌ها نسبت به عناصر فرهنگی میزبان عناصر خرده‌فرهنگ آنان است. در استعمال اصطلاح خرده‌فرهنگ، فرهنگ غالب مفروض است. خرده‌فرهنگ‌ها قسمتی از فرهنگ است که در عین دارا بودن ویژگی‌های کلی فرهنگ مشخصات مخصوص به خود را که موجب تمایز آن از سایر قسمت‌ها می‌شود، داشته باشد و فرهنگ خاصی است که در داخل فرهنگ کلی به وجود آمده است؛ به عبارت دیگر خرده‌فرهنگ‌ها هرکدام دارای مبانی مشترک با فرهنگ کلی بوده و در عین حال با آن فرق دارند و دارای عقاید، باورها، ارزش‌ها، معیارها و گرایش‌های اخلاقی، باورهای مذهبی، نظرهای سیاسی و اهداف خاص خود هستند (سازگارا، ۱۳۷۷، صص ۹۸-۹۹).

تنوع فرهنگی نیز همانند فرهنگ، تعاریف متفاوت و متعددی ناشی از متن و زمینه‌ای که در آن قرار می‌گیرد، پیدا می‌کند. تنوع دارای مفاهیم توصیفی و تزویجی است. در دهه‌های اخیر تنوع بیشتر به تنوع فرهنگی و اجتماعی مخصوصاً تنوع قومی و نژادی اشاره دارد؛ برای مثال، در جوامع آمریکای شمالی اولین معنی که از تنوع به ذهن مترتب می‌شود؛ تنوع نژادی است (Wood, 2003, p.87). تنوع فرهنگی به تفاوت‌های گروهی در دستاوردهای مادی و غیرمادی دلالت دارد (صالحی امیری، ۱۳۸۹، ص ۱۵۲). تنوع، در فارسی به گوناگونی مشهور است. به‌طور کلی، اصطلاح تنوع همراه با مفاهیمی همچون نژاد، رنگ، جنسیت، سن، ملیت، مذهب، افکار سیاسی، جهت‌گیری‌های جنسی و غیره در بین مردم همراه است (صالحی امیری، ۱۳۸۵، ص ۴۵). واژه تنوع فرهنگی در کتاب‌های مختلف با واژه‌های معادل همچون چندفرهنگی و کثرت‌گرایی فرهنگی به کار رفته است؛ اما آنچه که از تعریف همه این واژه‌ها برمی‌آید، جامعه‌ای است که در آن فرهنگ‌های متعددی وجود دارد (واتسون، ۱۳۸۳، ص ۹). واتسون، جامعه چندفرهنگی را جامعه‌ای می‌داند که در آن فرهنگ‌های متعددی وجود داشته باشد. وی عقیده دارد جامعه چندفرهنگی، جامعه‌ای مرکب از یک دولت، یک ملت، یک کشور، یک منطقه، یا حتی به‌طور ساده، محلی چون یک

شهرستان یا یک مدرسه است که محاط در مرزهای جغرافیایی است و از مردمی تشکیل شده که به فرهنگ‌های مختلف تعلق دارند. تنوع فرهنگی بدین معناست که تمامی افراد و گروه‌ها بتوانند از حقوق فرهنگی خود بر مبنای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و اولیه انسانی بهره‌مند شوند، همه فرهنگ‌ها امکان فعالیت مساوی همگام با دیگران را داشته باشند و هیچ‌گونه تبعیض و نابرابری تحت هیچ عنوانی وجود نداشته باشد (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۳۶).

مهم‌ترین ابعاد تنوع فرهنگی را می‌توان در چهار بخش عمده «تنوع مذهبی»، «تنوع زبانی»، «تنوع قومی - نژادی» و «تنوع آداب و رسوم (ارزش‌ها و هنجارها)» عنوان کرد (مدرس، ۱۳۹۲).

تنوع مذهبی: در هر واحد سیاسی، ادیان گوناگونی سکونت دارند که از طرق مختلفی همچون نوآوری در دین، انشعاب در یک دین، مهاجرت و یا هجوم پیروان یک دین به قلمرو دین دیگر، باعث تنوع می‌شوند؛ از این رو، دولت‌ها در برابر تنوع دینی رهیافت‌های گوناگونی داشته‌اند. برخی کشورها تنوع دینی را امری طبیعی قلمداد کرده و حقوق شهروندان را از هر دین و مذهبی که باشند، محترم می‌شمارند و در آن کشورها با پیروان دیگر ادیان و مذاهب با گذشت و رواداری برخورد می‌کنند. برخی کشورها، اقلیت‌های دینی را تحت شرایط خاصی پذیرا هستند یا قوانین تبعیض‌آمیزی درباره اقلیت‌های مذهبی به کار می‌برند و به صورت قانونی یا عرفی، عرصه را بر اقلیت‌ها تنگ کرده، حقوق آن‌ها را تضییع می‌کنند (صالحی امیری، ۱۳۸۹، ص ۱۵۵).

تنوع زبانی: زبان‌ها به‌طور طبیعی نیازهای خود را با عینیات جامعه همراه می‌نمایند. از این طریق، بر هم پیوندی‌های صاحبان زبان‌ها و گویش‌ها افزوده می‌شود، هویت ملی دربرگیرنده موزاییک غنی جامعه چندزبانی واقع می‌گردد، بر اوراق تمدن بشری و فرهنگ انسانی افزوده می‌شود و صلح و همزیستی جای خشونت و تقابل را می‌گیرد. به کار بردن زبان و لهجه‌های قومی و محلی، یکی از متداول‌ترین خواست‌های اقلیت‌هاست و در اغلب کشورهای دنیا - اعم از پیشرفته و غیرپیشرفته - چنین درخواست‌هایی وجود دارد (شاملو، ۱۳۷۹؛ مدرس، ۱۳۹۲).

تنوع قومی- نژادی: «گروه قومی» اجتماع کوچکی از انسان‌ها در درون جامعه بزرگ‌تر است که به صورت واقعی یا احساسی و ادراکی دارای اصل و نسب مشترک، خاطرات مشترک و گذشته تاریخی- فرهنگی مشترک هستند؛ همچنین دارای یک عنصر نمادین نظیر خویشاوندی، مذهب، زبان، سرزمین و خصوصیات ظاهری و فیزیکی مشترک که هویت گروهی آنان را از گروه‌های دیگر متمایز می‌سازد و اعضای آن به تعلقات گروهی- قومی خویش آگاهی دارند (مقصودی، ۱۳۸۰؛ بارکر، ۱۳۸۷).

تنوع آداب و رسوم (ارزش‌ها و هنجارها)^{۲۲}: یکی از مؤلفه‌های تنوع در جوامع، تنوع آداب و رسوم اقوام است و هر جامعه‌ای که ساکنان آن و هر سازمانی که کارکنان آن از نظر دین و نژاد به گروه‌های مختلفی قابل تقسیم باشند، از نظر فرهنگی متنوع است (سهرابی، ۱۳۸۹؛ قلی‌زاده، ۱۳۹۰). رسم اجتماعی، رفتاری است که بر اثر تکرار و تثبیت کنش‌های متقابل اجتماعی فراهم می‌آید، همچنان که از تکرار فراوان و تثبیت فعل‌های فردی، عادت زاده می‌شود. هر رسم دست‌کم در نخستین مراحل پیدایش خود، وسیله رفع یک یا چند نیاز اجتماعی است (گرانپایه، ۱۳۷۷، صص ۹۹-۱۸۰).

به اعتقاد فیدرستون^{۲۳} فرهنگ جهانی^{۲۴} را نباید به عنوان یک فرهنگ جهانی کلی در نظر گرفت بلکه باید به دو گونه به آن نگریست؛ اولاً فرهنگ جهانی دارای یک معنای محدود است که بر مبنای آن مجموعه‌ای از اعمال، دانش‌ها، قراردادهای و سبک‌های زندگی وابسته به دولت- ملت‌ها ایجاد شده‌اند که در نتیجه این‌ها تعدادی از نهادهای اجتماعی، فرهنگی و تولیدات فرهنگی صرفاً به عنوان عوامل بیان‌کننده دولت- ملت‌های خاص هستند. دوم اینکه فرهنگ جهانی در معنای وسیع یک شکل مشابهی از فرهنگ است که در آن فرهنگ همه دولت- ملت‌ها و مجموعه‌ها آن‌ها به طور اجتناب‌ناپذیر ترسیم می‌شوند. در این معنا از فرهنگ جهانی که در نتیجه رشد برخوردها و ارتباطات بین دولت- ملت‌ها و عوامل دیگر حاصل می‌شود یک فرهنگی ایجاد می‌شود که باید برای مشخص کردن محدوده‌ها بین خود و دیگران تلاش زیادی انجام دهد؛ بنابراین، از نظر فیدرستون جهانی شدن می‌تواند گفتمان‌هایی چون خاص‌گرایی و محلی‌گرایی را به وجود آورد.

خط‌مشی‌گذاری عمومی

درک درست از خط‌مشی‌گذاری عمومی^{۲۵} زمانی حاصل می‌شود که بپذیریم دولت‌ها برای ایفای نقش خود در حوزه فرهنگ و تنوع فرهنگی در سطح جامعه و حتی جهان نیازمند شناسایی و به‌کارگیری خط‌مشی عمومی مناسب هستند.

تعریف کلی خط‌مشی‌گذاری عمومی: هر چیزی که دولت‌ها انتخاب می‌کنند انجام دهند یا ندهند (Dye, 1979, p.1) و تعریف محدودتر چالز آندرسون^{۲۶}: مجموعه‌ای از اقدامات یا عدم اقداماتی می‌داند که یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در برخورد با یک مسئله یا دغدغه در پیش می‌گیرند (Dye, 1979, p.5)، نشانگر دامنه گستره خط‌مشی‌گذاری عمومی بوده است.

زمانی که دولت‌ها به وجود مشکل عمومی پی می‌برند، نیاز و ضرورت انجام اقداماتی در مورد آن مشکل را احساس می‌کنند؛ پس باید انتخاب‌هایی را برای مواجهه با آن مسئله عمومی بررسی کنند. با این کار آن‌ها در جریان اتخاذ خط‌مشی قرار می‌گیرند، به تعبیری ساده پیشنهاد ابزارهایی برای تأمین یک نیاز به‌نحوی که افراد آن جامعه آن را درک می‌کنند (Jones, 1984). دولت‌ها به‌صورت کلی از طریق وضع قوانین، ضابطه‌ها و مقررات اقدام به اتخاذ خط‌مشی عمومی می‌کنند، بنابراین، خط‌مشی عمومی را می‌توان اتخاذ تصمیمات و خط‌مشی‌هایی که از طریق نهادهای عمومی از قبیل مجلس، دولت و قوه قضاییه که وظیفه حفاظت از منافع عموم مردم را به عهده دارند، نامید (الوانی، ۱۳۸۱).

به‌عبارتی دیگر خط‌مشی عمومی سلسله اصول و موازینی است که اجزای یک نظام کشور را با هم هماهنگ می‌سازد. قوانین و مقررات صریح رسمی و غیررسمی و تلویحی که در جامعه از سوی مردم رعایت می‌شوند، از آن جمله می‌باشند؛ بنابراین، قانون و خط‌مشی یکسان نیستند بلکه خط‌مشی‌ها کلی‌تر و فراگیرتر هستند که گاهی صورت قانونی ندارند ولی لازم‌الرعایه می‌باشند. خط‌مشی‌های عمومی دارای چندین کارکرد اصلی از قبیل راهنمای عمل در بخش عمومی و ارائه خدمات عمومی در جامعه، هماهنگ‌کننده عملیات و اقدامات سازمان‌ها با یکدیگر، ارزیابی و کنترل‌کننده فعالیت‌های بخش عمومی، روشنگری روح قوانین و مقررات بر اساس روش‌ها و موازین مورد قبول

جامعه و معرفی‌کننده منافع و مصلحت عامه مردم در حل مشکلات جامعه می‌باشند (خاشعی، ۱۳۹۰).

دیدگاه‌های نظری خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی

امروزه در ادبیات سیاسی و اجتماعی از سه مدل یا الگوی عمده سیاست‌گذاری فرهنگی در قبال تنوع فرهنگی جوامع بحث به میان آمده است که عبارت‌اند از: مدل همانندسازی^{۲۷} و مدل تکثرگرایی^{۲۸} و مدل وحدت در کثرت است.

الف. دیدگاه همانندسازی

جامعه‌شناسان از همانندسازی^{۲۹} به فرآیند پذیرش ارزش‌ها، الگوها و سبک زندگی گروه برتر توسط اقوام و گروه‌هایی از جامعه یاد می‌کنند؛ به نحوی که در بطن گروه برتر جذب و هضم شوند (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۴۴). همانندسازی مشتمل از دو گروه است؛ گروه اول، نامزدان همانندسازی یا تازه‌واردان و گروه دوم، جامعه‌پذیران. گروه نخست باید وسایل جدید را به دست آورند و چگونگی به‌کارگیری سازوکارهای جدید را فراگیرند. در این فرایند نظام ارزشی تازه‌واردان تغییر می‌کند؛ به همین دلیل سیاست همانندسازی را فرایند تغییر اجتماعی و فرهنگی نیز نامیده‌اند. فرهنگ‌پذیری تازه‌واردان به آنان امکان می‌دهد که نقش‌های تازه خود را بیابند و قواعد، سنت‌ها و رسوم جامعه وسیع را بپذیرند. بر اساس این مدل، سیاست‌های دولت و ایدئولوژی‌ها بر اساس آن شکل گرفته و ترکیبی زیست‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی و روانی از گروه‌های قومی متمایز و منفرد به‌منظور ایجاد یک جامعه بدون تفاوت قومی به وجود می‌آید (صالحی امیری، ۱۳۸۵-ب، ص ۵۲).

جامعه حاصل از این دیدگاه به‌گونه‌ای متجانس و همگن خواهد بود که بین اقوام، نژادها و فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها تفاوتی وجود نخواهد داشت و قومیت، ملاکی برای توزیع ثروت نخواهد بود؛ بنابراین، انتظار می‌رود که شهروندان به‌عنوان افراد جامعه هیچ‌گونه ادعایی ضد دولت خود نداشته باشند (مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۸۰، ص ۷). به‌روشنی واضح است که دیدگاه همانندسازی نوعی ریشه‌کنی فرهنگی و مانع

عمده‌ای برای تکامل خرده‌فرهنگ‌ها و اقلیت‌های قومی بوده است اما به دلیل حفظ بخشی از فرهنگ در هویت فردی اقوام و گروه‌های اقلیت هرگز همانندسازی کامل رخ نداده است (Brown, 1993, p.67). اجرای خط‌مشی‌های دیدگاه همانندسازی در بعد نظامی به نسل‌کشی (ژنوسید: محو فیزیکی یک گروه بشری) و در بعد سیاسی به جداسازی (وادار کردن گروه‌های نژادی، قومی و دینی به زندگی در مناطق مسکونی جدا از گروه مسلط) ختم می‌شود (توسلی، ۱۳۷۲).

ب. دیدگاه تکثرگرایی

دیدگاه تکثرگرایی^{۳۰}، دیدگاهی است که سازمان‌دهی را به نحوی مطلوب می‌داند که در آن هر خانواده فکری- عقیدتی هم امکان و وسایل حراست از ارزش‌های خاص خود را داشته باشند و هم آنکه به احقاق حقوق خود نایل آید و زمینه لازم جهت مشارکت فعالانه در صحنه‌ها سیاسی و اجتماعی را به دست آورند. تحقق چنین نظامی متضمن پذیرش نوعی بی‌طرفی از جانب قدرت حاکم و مشارکت نهادها و گروه‌های موجود در جهت اعتلای مصالح عمومی است. یکی از نظریه‌پردازان این دیدگاه «ام جی اسمیت» معتقد است که افراد در روابط خود با نهادهای عمومی و دولت به‌عنوان یک فرد با تابعیت فرهنگی خود نه به‌عنوان یک عضو از یک جمعیت درون دولت عمل می‌نماید (صالحی امیری، ۱۳۸۹، ص ۶۱).

در این دیدگاه خط‌مشی‌هایی طراحی می‌شود که به حفظ و تشدید تفاوت‌های موجود میان گروه‌های قومی، تنوع فرهنگی و مرزهای جداکننده گروه‌های قومی می‌پردازد، اما با این وجود بر ضرورت وجود یک ساختار مشترک سیاسی و اقتصادی که گروه‌های متنوع قومی و فرهنگی را به یکدیگر پیوند بدهد، توجه می‌شود؛ زیرا بدون وجود این ساختار مشترک، جامعه چندفرهنگی شکل نمی‌گیرد. بر همین اساس، تکثرگرایی دارای سه بعد الف) فرهنگی (حفظ و صیانت از تفاوت‌های فرهنگی اقوام)، ب) ساختاری (ایجاد نهادهای اجتماعی مثل مدرسه، ادارات و ... منطبق با چارچوب‌های هر قوم و نژاد) و ج) خط‌مشی‌های ترجیحی قومی (تلاش دولت برای حمایت و ارتقای آموزشی اقلیت‌های قومی) است (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۵).

ج. دیدگاه وحدت در کثرت

عدم امکان وجود جامعه‌ای فاقد تنوع، انکارناپذیر بودن تفاوت فردی و اجتماعی، نسبی بودن وحدت، وجود تعارضات ناشی از تفاوت‌های ظاهری، اجرای خط‌مشی‌ها وحدت‌بخش و ذاتی بودن تنوع در هستی و جهان جزء مفروضات اصلی این دیدگاه هستند. دیدگاه وحدت در کثرت^{۳۱} به وضعیتی اطلاق می‌شود که تلفیقی از همانندسازی و کثرت‌گرایی است؛ به این معنی که درعین‌حالی که وحدت مبنا قرار می‌گیرد، به دیدگاه همانندسازی متمایل می‌شود و در آنجا که کثرت مدنظر قرار می‌گیرد، به دیدگاه کثرت‌گرایی متمایل می‌شود؛ درحالی‌که هیچ‌یک از این دیدگاه به‌طور مجزی مطرح نمی‌باشند (صالحی امیری، ۱۳۸۵، صص ۷۰-۷۱).

سیاست وحدت در کثرت الگوی مطلوبی است که به برقراری انسجام ملی در کشور منجر می‌شود. این دیدگاه ضمن رعایت فاصله و تفاوت بین خرده‌فرهنگ‌های موجود، همگی آن‌ها را در پاره‌ای وجوه و ابعاد به یکدیگر نزدیک می‌داند (چمن‌خواه، ۱۳۸۹، صص ۴۷-۶۵).

نظریه‌های وحدت صرف و یا کثرت به‌تنهایی وضعیت‌های آرمانی و غیرواقعی یا سفید و سیاه از شرایط اجتماعی را به نمایش می‌گذارند، بدون اینکه به این نکته مهم توجه کنند که در شرایط عینی همواره با وضعیتی نسبی مواجه خواهد شد؛ بنابراین، الگوی مزبور بر درکی واقع‌بینانه استوار است (صالحی امیری، ۱۳۸۹، صص ۱۶۲-۱۷۳).

خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن

موضوع بحث این است که چگونه خط‌مشی‌های دولت‌ها باید به مسئله تنوع در عصر جهانی شدن پاسخ بدهند که پدیده‌های ناشی از گسترش تنوع فرهنگی در سطح جامعه به‌صورت ملی و بین‌المللی را مدیریت کند؟

اولین نکته: نتایج حاصل‌شده از خط‌مشی‌گذاری‌های انجام‌شده در خصوص تنوع بوده است؛ برای مثال، خط‌مشی‌گذاری‌های مربوط به مهاجرت می‌تواند در نژاد و امتزاج فرهنگی جامعه محلی و فرامحلی تأثیر بسزایی داشته باشد، به همین صورت که مالیات و خط‌مشی‌های اجتماعی بر جایگزینی الگوهای درآمدی تأثیر می‌گذارد. ویژگی

این نتایج این است که دولت‌ها کنترل سنتی خود را بر نتایج این دست خط‌مشی‌گذاری‌های انجام‌شده از دست داده‌اند؛ برای مثال، خط‌مشی‌های مهاجرت می‌تواند در راستای ایجاد امتزاج قومیت‌ها صورت گیرد اما اینکه دقیقاً این خط‌مشی‌ها فقط به امتزاج فرهنگی ختم شود و احیاناً به تنازعات قومی و نژادی و بین‌المللی در سطح جهانی تبدیل نشود، در اختیار و کنترل دولت‌ها نیست که این اغلب به دلیل پیچیدگی‌ها و تغییرات شدید پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی در عصر جهانی شدن است (Wolf, 2004).

نکته دوم: تغییر در نوع و سطح تنوع، ممکن است نتیجه مورد انتظار و دلخواه سیاست‌گذاران دولتی نبوده باشد؛ مثلاً خط‌مشی‌گذاری‌های انجام‌شده در خصوص مهاجرت ابتدا با انگیزه ایجاد تنوع نبوده است، هرچند که دولت‌ها به تلفیق جمعیتی به‌عنوان یک اقدام برای سایر خط‌مشی‌های اتخاذشده (اقتصادی، سیاسی، امنیتی و ...)، از طریق آموزش و پرورش، مراقبت‌های بهداشتی، اسکان و خدمات اجتماعی اقدام می‌نمایند. این بدان معناست که در شرایط جهانی شدن که عالم به‌صورت یک سیستم پیچیده و مترکم با تغییرات آنی و لحظه‌ای که هیچ‌کدام قابل پیش‌بینی و تکرار گذشته نبوده هرگونه خط‌مشی‌گذاری آن‌هم در زمینه تنوع فرهنگی که خود پیچیدگی‌های خاص خود را دارد، منجر به تغییرات گسترده و عمیق در سطح و نوع تنوع در محیط محلی و حتی بین‌المللی شده است (اعتباریان، ۱۳۹۳).

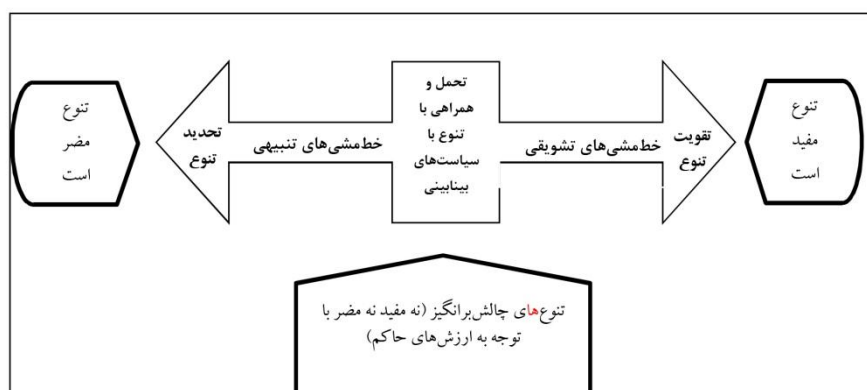
نکته سوم: در عصر جهانی شدن و به علت قرار گرفتن محیط‌های انسانی در نواحی عدم اطمینان، تلاش دولت‌ها برای تأثیر بر نوع خاصی از تنوع، حتی در سطح ملی، ممکن است به تأثیر بر سایر انواع تنوع‌ها در سطح ملی و بین‌المللی منتج شود؛ برای مثال، تلاش برای ایجاد و گسترش تنوع گزینه‌های انتخاب در خدمت‌رسانی به مشتریان در مؤسسات و نهادهای عمومی ممکن است به گسترش تنوع دامنه محصولات (تنوع در کیفیت و استانداردها) منتج شود.

نکته چهارم: با توجه به وجود گزینه‌های مختلف در دسترس دولت، برای خط‌مشی‌گذاری در خصوص تنوع، این پاسخ‌ها، خط‌مشی‌ها و راه‌حل‌های انتخاب‌شده ممکن است در یک حالت به تقویت تنوع فرهنگی در جامعه و از سویی به تحدید آن

و در حالتی به تحمل و همراهی با تنوع فرهنگی منتج شود. این موقعیت‌ها در خط‌مشی‌گذاری و پاسخ‌های دولت به تنوع، برگرفته از درجه فایده و سودمندی تنوع در جامعه و زمینه موردنظر است. اگر مزایای تنوع بسیار باارزش و حیاتی باشد خط‌مشی‌گذاری تقویت‌کننده، به شدت منطقی و عقلانی است، برعکس در جایی که تنوع هم برای اشخاص و هم برای جامعه مضر تشخیص داده شود، تلاش‌ها به ارائه سیاستی محدودکننده معطوف خواهد شد. در حالتی بینابین، خط‌مشی‌ها مربوط به تنوع، ممکن است به نوعی تحمل مسالمت‌آمیز تنوع را در بر داشته باشد. به طور کلی در این حالت می‌توان ادعا کرد که تقویت، تحدید و تحمل یا همراهی تنوع، با اهداف خط‌مشی‌گذاری ارتباطی ندارد (توجه کنید به مدل شماره ۱).

نکته قابل توجه در این مدل، شناسایی مفید یا مضر بودن تنوع در محیطی به شدت متأثر از جهانی شدن است؛ برای مثال، گستره متنوع مصرف‌کنندگان و مشتریان، تنوع و امکان انتخاب شبکه‌های تلویزیونی، تنوع و امکان انتخاب رستوران‌ها و غذاهای بومی و محلی و همچنین تنوع مقررات و محتوی آموزشی، می‌تواند به عنوان تنوع مفید شناسایی شوند؛ ارتباطات جنسی (هم‌جنس‌بازی)، مهاجرت قوم‌های متنوع به داخل کشورها و حتی در درون کشورها به مثابه یک کلونی، تأسیس و گسترش ادیان و مذاهب مختلف، تنوع جنسیتی (زنانگی و مردانگی) از جمله تنوع‌های مناقشه و چالش‌برانگیز است که نقش ارزش‌های فرهنگی در اتخاذ خط‌مشی‌های تقویت‌کننده یا تحدیدکننده در کشورها و ملت‌های مختلف، متفاوت خواهد بود و همچنین تفاوت‌ها و تبعیض‌های آموزشی با توجه به نژاد، قومیت و جنسیت، پول‌شویی و درآمدهای بی‌حد و حسر، ارزش‌ها و هنجارهای متنوع ضد انسانی (زننده‌بگور کردن دختران، قربانی کردن انسان‌ها) می‌تواند مظهر مضر بودن تنوع فرهنگی باشد. تأکید این نکته ضروری است که ارزش‌های فرهنگی نقش بسیار مهمی در شناسایی انواع تنوع‌ها به عنوان مضر، مفید و یا چالش‌برانگیز داشته است و چگونگی پاسخ دولت‌ها در قالب خط‌مشی‌گذاری‌های مرتبط را تعیین می‌کند؛ برای مثال، در جامعه ایران و با حاکمیت ارزش‌های فرهنگی و مذهبی دین مبین اسلام تنوعی همچون هم‌جنس‌بازی، در رده تنوع‌های مضر قرار می‌گیرد و خط‌مشی‌ها در تحدید این تنوع تدوین می‌گردد، اما تنوع

قومیتی و جنسیتی ابزاری برای شناخت جامعه بشریت از یکدیگر معرفی می‌شود؛ بنابراین، خط‌مشی‌ها در تقویت آن تدوین گردیده است. این تحدید و تقویت، چندان دربرگیرنده اهداف خط‌مشی‌ها نبوده است (Ragin, 2000).



مدل شماره ۱. رابطه تنوع با خط‌مشی‌گذاری فرهنگی

چالش‌های خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن

امروزه با گسترش پدیده جهانی شدن و بروز تنوع ناگزیر در جوامع، تنوع فرهنگی به‌عنوان یک عامل بسیار اثرگذار و علت قوی مؤثر بر دیدگاه‌های خط‌مشی‌گذاری و اتخاذ خط‌مشی‌ها مرتبط با ارائه خدمات عمومی شناخته شده است. بروز خط‌مشی‌های نو در اموری از قبیل معماری، تشکیل انجمن‌ها و کمیسیون‌ها، مراقب‌های بهداشتی و سلامتی، حمایت‌های قانونی و نهادی از کودکان و زنان، حمایت‌های مالی و خدمات اجتماعی و... از این جمله می‌باشند؛ اما نباید از نقش متقابل سایر عوامل مثل هزینه‌های مالی و مالیاتی، انصاف و برابری، حمایت‌های مالی و سیاسی و ارائه خدمات عمومی به تنوع‌های فرهنگی که در اثر فرایند جهانی شدن مؤثرتر از قبل عمل می‌نمایند، غفلت کرد. به‌عبارتی، هر آنچه جامعه از نظر فرهنگی متنوع‌تر بشود، نگرانی‌ها، نیازها، ترجیحات و آمال و آرزوهای افراد جامعه متکثر، متنوع‌تر می‌شود؛ بنابراین، ارزش‌های فرهنگی نیز متنوع‌تر شده و حتی به‌مرور زمان تغییر می‌کند. در این تغییر نباید نقش

صاحبان ثروت برای تولید و عرضه محصولات متنوع برای نیازها و خواسته‌های متنوع، متولیان سیاست در رفع نگرانی‌های جامعه متکثر فرهنگی و اتخاذ سیاست‌های همسو با آن‌ها برای کسب حمایت‌هایی اجتماعی از حزب و گروه سیاسی خاص با استفاده از ابزاری قوی و کارآمد بنام رسانه، برای القا ترجیحات، مورد غفلت قرار گیرد. این فرایند می‌تواند مثل یک چرخه در جامعه ملی و بین‌المللی عمل نماید و باعث تنوع بیشتر و در نتیجه خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن را به چالش بکشد (Pawson, 2002).

در این فرایند چالش‌های بسیار مهم، فرایند خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی در عرصه جهانی شدن را به خود مشغول ساخته است که می‌توان کتب متعددی را در این باره به نگارش درآورد. نویسنده در تلاش برای نشان دادن گوشه‌ای از این چالش‌ها، ضمن بررسی اجمالی ویژگی‌های خط‌مشی‌گذاری عمومی و تنوع فرهنگی به‌عنوان یک مشکل عمومی ملی و جهانی، به طرح چالش‌های مرتبط با عصر جهانی شدن پردازد:

تنوع فرهنگی مشکل عمومی محلی یا جهانی

خط‌مشی‌گذاری عمومی سازوکاری جهت شناسایی و انتخاب راه‌حل برای مشکلات عمومی است، به‌گونه‌ای که عمومیت آن مورد تأکید است (الوانی، ۱۳۹۰). گرچه برای عمومیت مسئله میان صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود ندارد اما می‌توان مسئله عمومی را مسئله‌ای دانست که: ۱. به تعداد زیادی از انسان‌ها مربوط شود؛ ۲. بدون مشارکت جمعی حل نمی‌شود و ۳. کل جامعه و افراد آن را درگیر می‌سازد (پورعزت، ۱۳۹۰). با نگاه دقیق‌تر به وضعیت مسائل بشر امروزی و درهم‌تنیدگی، پیچیدگی و ارتباطات متقابل دنیای امروز بی‌شک منظور از جامعه، جامعه جهانی و تنوع فرهنگی به‌عنوان یک مشکل عمومی و چالشی جهانی مطرح می‌گردد؛ بنابراین، خط‌مشی‌گذاری دولت‌ها با دید محلی و بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های عصر جهانی شدن، غفلتی نابخشودنی و اقدامی بی‌اثر در رفع مشکلات عمومی هم در سطح ملی و هم در سطح جهانی است. سؤالات مهمی که در این بخش خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن را

به چالش می‌کشد، عبارت است از: آیا تنوع فرهنگی یک مشکل عمومی ملی است یا فراملی؟ هدف خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی حل مشکلات عمومی محلی است یا جهانی؟ افق دید خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی به داخل کشورها باشد یا جهانی به موضوع نگاه کند؟

دولت - ملت ملی و فراملی

خط‌مشی‌گذاری عمومی کارویژه دولت‌هاست (هادی پیکانی، ۱۳۹۴). این بدان معنی است که خط‌مشی‌گذاری مملو از قدرت و منافع شخصی سیاستمداران، دولتمردان و گروه‌های ذی‌نفع در شناسایی و ادراک مسئله عمومی جوامع بشری است (الوانی، ۱۳۹۰). از ۱۹۹۰ به بعد حوزه پژوهش در جامعه‌شناسی جهتی به سمت جهانی شدن گرفت و بر این موضوع متمرکز شد که چگونه فرایندهای جهانی در محیط‌های ملی جای می‌گیرند، با این محتوی که در این فرایند، امر جهانی شدن چه چیز را به دست می‌آورد و امر ملی چه چیزی را از دست می‌دهد. این امر شامل دولت‌ها و نهادهای دولتی است که دارای دینامیسم چندگانه و اغلب جهانی هستند و درون امر ملی به کار گرفته شده‌اند؛ برای مثال، بانک‌های مرکزی یا وزارتخانه‌های دارایی دولت‌های جهان، نقش عمده‌ای در اقتصاد مشترک جهانی ایفا کرده‌اند (ساسن، ۱۳۹۴). جهانی شدن دولت‌ها را از امر ملی و محلی (داخل مرزهای جغرافیایی) فراتر برده و در غالب جهانی بدون مرزهای جغرافیایی قرار داده است؛ بنابراین، خط‌مشی‌گذاری به‌عنوان کار ویژه دولت‌های جهانی، امری فراملی برای پدیده‌ای که حاصل جهانی شدن است محسوب می‌گردد؛ و این دقیقاً به معنی سهیم شدن دولت‌های جهان در قدرت دولت‌های محلی و شریک شدن در منافع آن است؛ برای مثال، خط‌مشی‌گذاری‌های انجام‌شده در زمینه تنوع فرهنگی به‌صورت ملی، منافع اقتصادی نظیر صنعت موسیقی، صنعت گردشگری، صنعت صنایع دستی و ... ایجاد کرده است که منافع اقتصادی آن از مرزهای ملی فراتر رفته و اقتصاد جهانی را تحت تأثیر خود قرار داده است (وحید، ۱۳۸۸). سؤالات مهمی که در این بخش خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن را به چالش می‌کشد، بدین شرح است: ماهیت دولت‌ها در خط‌مشی‌گذاری تنوع

فرهنگی ملی است یا فراملی؟ آیا ویژگی‌های دولت-ملت‌ها (دولت-ملت محلی و فراملی) در انجام فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی تنوع فرهنگی تأثیری ایجاد می‌کند؟ جهانی شدن چه نقشی در تغییر ماهیت دولت‌ها از ملی به فراملی ایفا کرده است؟

نبود نظام ارزشی بین‌المللی تنوع فرهنگی

یکی از ویژگی‌های مهم خط‌مشی‌گذاری عمومی ارزش‌محوری^{۳۲} آن است (اسمیت و لاریمر، ۱۳۹۲). لاسول شکل‌دهی علوم خط‌مشی دموکراسی^{۳۳} را خواستار شد؛ به عبارت دیگر، علوم خط‌مشی نوعی جهت‌گیری ارزشی دارند و هدف غایی آن‌ها حداکثرسازی ارزش‌های دموکراتیک بود، تأکید بر هدف غایی یعنی شکوفایی شأنیت انسان در نظریه و عمل است (۱۹۵۱). همان‌طور که اشاره شد، ارزش‌های حاکم بر جامعه و دولتمردان و به‌طور کلی ارزش‌های فرهنگی موجود که اغلب از ایدئولوژی جاری سرچشمه می‌گیرد، بسیار در خط‌مشی‌گذاری تعیین‌کننده است. تنوع فرهنگی و خرده‌فرهنگ‌ها معمولاً حاوی ارزش‌های متفاوت از فرهنگ اصلی می‌باشند. چالش عمده خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن نبود نظام ارزشی موردقبول برای همه جوامع است. منظور از نظام ارزشی موردقبول نه نظام ارزشی همانندساز یا یکپارچه‌سازی بلکه نظامی از ارزش‌های ناب انسانی که در همه جوامع به آن تمسک جویند و احترام بگذارند؛ برای مثال، نظام ارزشی مبتنی بر دموکراسی در بسیاری از جوامع دیکتاتور نفی می‌گردد و در بسیاری از جوامع به اصطلاح دموکرات دال و مدلول‌های مطابق با نظام ارزشی خود به آن منصوب کرده و به عبارتی ارزش‌های ناب دموکراسی را از مطابق منافع خود تعریف و ارائه می‌دهند. سؤالات مهمی که در این بخش خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن را به چالش می‌کشد، از قبیل خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی بر اساس کدام نظام ارزشی جهانی باید صورت گیرد؟ آیا تنوع ارزش‌های فرهنگی در جوامع و دولت‌ها مختلف، خط‌مشی‌های متعارض ایجاد می‌کند؟ آیا ضرورت ایجاد نظام ارزشی یکسان در نظام جهانی شدن برای تدوین خط‌مشی‌های تنوع فرهنگی همسو وجود دارد؟ آیا امکان ایجاد یک نظام مشترک

ارزشی جهانی برای همه تنوع وجود دارد و آیا این نظام ارزشی مشترک با اهداف غایی تنوع در تعارض نیست؟

قدرت و بازیگران جهانی خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی

قبل از عصر جهانی شدن، محیط اصلی مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی، محدوده دولت ملی و نظام سیاسی و قدرت داخلی بوده است. در حال حاضر با توجه به گسترش فرآیند جهانی شدن در همه زمینه‌ها و در نتیجه تضعیف دولت ملی، به نظر می‌رسد دامنه، عرصه و موضوعات خط‌مشی‌گذاری و در نتیجه نگرش‌های مسلط در جامعه‌شناسی سیاسی دچار تحولات عمده و اساسی شده باشند. در پارادایم کلاسیک جامعه‌شناسی سیاسی، مفاهیمی چون دولت ملی، رابطه طبقه حاکم و محکوم، نخبگان سیاسی، احزاب و پایگاه اجتماعی رژیم‌های سیاسی غلبه داشته‌اند؛ درحالی‌که در پارادایم جدید، ساختارهای اقتدار در سطح جهانی، رابطه میان حکومت‌ها و فرآیندهای جهانی شدن در عرصه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ارتباطات، هویت‌های فراملی طبقاتی، بخش‌های اجتماعی فراملی و غیره اولویت یافته‌اند (بشیریه، ۱۳۸۹).

از آنجاکه ذات خط‌مشی‌گذاری ارتباط تنگاتنگی با نهادهای قدرت و سیاست دارد (هادی پیکانی، ۱۳۹۵؛ اسمیت و لاریمر، ۱۳۹۲) جهانی شدن سبب ظهور و گسترش اختیارات نهادهای سیاسی جهانی، عرصه‌های تصمیم‌گیری سیاسی بر فراز دولت‌های ملی در سطح جهانی شده است. افزایش اقتدار نهادهای جهانی، مانند سازمان ملل، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی تا حدی نتیجه پیدایش مسائل عمده جهانی، مانند تنوع فرهنگی، گرم شدن جهان، افزایش جمعیت، محیط زیست و... است. دولت‌های ملی به تنهایی نمی‌توانند حریفی برای برخورد با این مسائل حیاتی شهروندان جهانی باشند. از سوی دیگر، توسعه حقوق بین‌المللی محدودیت‌هایی برای آزادی عمل سنتی دولت‌ها در عرصه بین‌المللی ایجاد می‌کند. این تحولات تا آنجا گسترده شده است که در سطح فرهنگی باید از ظهور جامعه مدنی جهانی سخن گفت؛ یعنی شبکه‌ای از سازمان‌ها که در اهداف و آرمان‌هایشان مرز نمی‌شناسند و از مظاهر اصلی روابط فراملی هستند.

در چنین شرایطی بازیگران خطمشی مخصوصاً در خصوص پدیده‌ای پیچیده و در ذات خود متنوع از مثلث آهنین (Jordan, 1981)، فراتر رفته و شبکه‌های بازیگران خطمشی تحت عنوان شبکه‌های موضوعی که به صورت بین‌المللی و جهانی عمل می‌نمایند، به وجود آید (Jones, 1984). سوالات مهمی که در این بخش خطمشی‌گذاری تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن را به چالش می‌کشد، به شرح زیر است: بازیگران جهانی خطمشی‌گذاری تنوع فرهنگی با چه اهداف و منافعی در این فرایند شرکت می‌کنند و چه تأثیری بر آن می‌گذارند؟ چگونه بازیگران محلی با بازیگران جهانی باید به تعامل و تعادل برسند؟ آیا گستردگی و گاهی تضاد منافع بازیگران جهانی خطمشی، به هرج و مرج منتهی خواهد شد یا هم‌افزایی را موجب خواهد شد؟

محیط جهانی به‌عنوان زمینه خطمشی‌گذاری تنوع فرهنگی

تنوع فرهنگی به‌عنوان پدیده بارز جهانی شدن، مستقیماً به زمینه^۳ و محیطی که قرار است خطمشی در آن اتفاق بیفتد، ارتباط دارد؛ بنابراین، می‌توان ادعا کرد تنوع فرهنگی، طراحی، اجرا و پیامدهای ناشی از خطمشی‌گذاری را در عصر جهانی شدن تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر به همان اندازه که تنوع فرهنگی در همه ابعاد آن در جامعه جهانی رخ می‌دهد، تمامی فرایند خطمشی‌گذاری از ادراک و احساس مشترک گرفته تا ارزیابی راه، به واسطه تنوع جنسیتی، قومیتی، زبانی و ارزشی ایجاد شده در زمینه جامعه به صورت ملی و بین‌المللی، دچار تغییر و تحول می‌کند. شعار ایجاد برابری و گسترش عدالت در جوامع بشری، گسترش سطح تنوع، نیازها و آمال و آرزوهای متفاوت را به همراه خواهد داشت و این به معنی، ایجاد برنامه‌ها و خطمشی‌های متنوع و در یک کلام خطمشی‌های متفاوت با سایر زمینه‌های اجتماعی است. در این حالت بسیاری از خطمشی‌های اتخاذ شده ناسازگار با اصل تنوع، باعث وخیم‌تر شدن اوضاع خواهد شد (کمیسون جهانی تنوع فرهنگی، ۲۰۰۲). در این چالش موضوعاتی از قبیل چگونه سیاستمداران باید خطمشی‌های مناسب برای ایجاد وحدت و همبستگی در جوامع جهانی به شدت متکثر، اتخاذ کنند؟ تا چه حد خطمشی‌ها محدودکننده گروه‌های متکثر، از سوی ایشان تحمل خواهد شد؟ چه تنوع‌هایی فرهنگی با همه ارزش‌ها و

هنجارهای متفاوتشان، از سوی یک جامعه دموکرات و متکثر مورد پذیرش و احترام خواهد بود، وجود دارد. این مسائل شواهدی روشن از رابطه تنوع با زندگی عمومی مردم است که به‌عنوان زمینه خط‌مشی‌گذاری در سطوح ملی و جهانی مطرح می‌شود. دانش‌پژوه خط‌مشی به‌عنوان پزشک برای ملت و دولت سعی می‌کند خط‌مشی اثربخش‌تر یا کارآمدتری را تولید کند که ممکن است به حل مسئله در سطوح ملی و جهانی کمک کند ولی باید در راستای منافع عامه باشد. چنانچه لاسول مآخذ اصلی قدرت را به‌صرف خبرگان واگذار می‌کند تصور اینکه چشم‌انداز لاسول از خط‌مشی عمومی دموکراتیک است، سخت است (Deleon & Deleon, 2002).

عدم پذیرش حقوق برابر برای زنان، در بعضی از فرهنگ‌ها و مذاهب، نمونه بارزی از این موضوع است اما دولت‌ها باید چه پاسخی به این موضوعات بدهند. چالش‌های بزرگ دنیای متکثر جهانی امروز، در خط‌مشی‌گذاری عمومی این قبیل موضوعات، مثل اجازه پوشش حجاب زنان و دختران در مدارس، دانشگاه‌ها و فعالیت‌های فیزیکی و ورزشی ایشان و یا حتی نشستن زنان در پشت مردان در اتوبوس‌ها و واگن‌های عمومی بوده است. سؤالات مهمی که در این بخش خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن را به چالش می‌کشد، از قبیل بازیگران جهانی خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی با چه اهداف و منفعی در این فرایند شرکت می‌کنند و چه تأثیری بر آن می‌گذارند؟ چگونه بازیگران محلی با بازیگران جهانی باید به تعامل و تعادل برسند؟ آیا گستردگی و متضاد بودن منافع بازیگران جهانی خط‌مشی موجب هم‌افزایی خواهد شد یا به هرج‌ومرج منجر می‌شود؟

جمع‌بندی

تنوع فرهنگی و خط‌مشی‌گذاری عمومی دهه‌ها، با رابطه‌ای دیالکتیکی و دوسویه موجب گسترش و پیشرفت یکدیگر شده‌اند. رابطه این دو پدیده با گذشت زمان و غالب شدن پدیده جهانی شدن یا جهانی‌سازی، پیچیده‌تر شدن انسان‌ها و روابط میان آن‌ها، پیچیده‌تر شده و بیش‌ازپیش دولت‌ها و ملت‌ها را مشغول خود ساخته و در این باره با چالش‌هایی مواجه شده است. دولت‌ها، سیاستمداران و خط‌مشی‌گذاران با هر رویکرد

و دیدگاهی نمی‌توانند دربارهٔ این پدیده سکوت نمایند و مشکلات اجتماعی پیش‌آمده را به حال خود رها سازند؛ زیرا خرده‌فرهنگ‌ها در حال بروز و پیدایش می‌باشند و نیازمند ارائه خدمات عمومی از سوی دولت‌ها در سطح محلی، ملی و جهانی هستند. از سوی دیگر نه می‌توان منکر تعارضات ناشی از تنوع شد و نه می‌توان از محاسن و منفعت‌های عمومی این پدیده چشم‌پوشی کرد. حتی کاربردهای تنوع در خط‌مشی‌گذاری عمومی، در عرصه‌های مختلف بسیار متفاوت، متنوع و چالش‌برانگیز است؛ مثلاً کاربرد تنوع در سیاست افزایش توده‌وار دانشجویان از فرهنگ‌ها و ملیت‌های مختلف در دانشگاه‌ها در سراسر جهان از سال ۱۹۹۰ با خط‌مشی‌گذاری اجتماعی در برخورد با چالش‌های ناشی از تنوع خانوادگی بسیار متفاوت بوده است. از طرفی به‌عنوان یک قانون و اصل منطقی، انتظار می‌رود با گسترش تنوع فرهنگی در سطح جوامع ساختار خدمات عمومی و نگرش نسبت به آن نیز انعطاف‌پذیری بیشتری از خود نشان دهد؛ درحالی‌که نگرش یکپارچه‌سازی و همانندسازی، زیاد در این باره همسو نیست. چگونگی انتخاب نوع انعطاف‌پذیری ساختاری دولت‌ها در سطح جهانی در برنامه‌ها با درخواست خدمات از سوی عموم مخصوصاً گروه‌های متنوع، ارتباط مستقیم دارد. ارائه‌دهندگان خدمات عمومی باید به نوع و میزان کمک نهاد مربوط به خود در به‌کارگیری انعطاف مناسب توجه کنند؛ زیرا هیچ قانون ثابت و استانداردی در این خصوص وجود ندارد.

امروزه چگونگی خط‌مشی‌گذاری در خصوص اجرای آداب و رسوم خرده‌فرهنگ‌ها و حمایت آن‌ها از سوی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و زندگی روزمره مردم به‌صورت عادی و معمولی به‌عنوان یکی از مظاهر حقوق بشر مطرح شده است؛ برای مثال، می‌توان به خط‌مشی‌گذاری‌های انجام‌شده در خصوص اجرای آیین‌های مذهبی اقلیت‌ها و محدودیت‌های اعمال‌شده در مورد ازدواج دختران زیر سن قانونی در بیشتر جوامع اشاره کرد. اگر خط‌مشی‌گذاری‌ها بر برابری حقوق فرهنگ‌ها در یک جامعه تعلق گیرد، به درخواست برای اجرای برابر و یکسان همه آداب‌ورسوم‌های آن‌ها در سطح جامعه منتهی خواهد شد و این در جوامع به‌شدت متکثر امری معمول و البته دارای تبعاتی ملی و جهانی بوده است (Bowen & Bok, 1998). اگر به همه گروه‌های

خیلی کوچک متنوع در هر جامعه، اجازه ظهور و بروز هم‌زمان داده شود، بیم این می‌رود که اختلافات به حد فزاینده‌ای بروز کند که امکان آشتی مجدد و جمع کردن آن‌ها زیر یک حکومت سیاسی و ملت واحد از بین برود، از سوی دیگر محدود کردن گروه‌های متنوع فرهنگی ممکن است، به خفه شدن صدای اقلیت و احساس عدم جدی گرفته شدن از سوی حکومت و گروه اکثریت منجر شود (بارکر، ۱۳۸۷). در اینجا مسائل مهمی در خصوص چگونگی خط‌مشی‌گذاری در خصوص جامعه متنوع فرهنگی و میزان تأثیر تنوع بر خط‌مشی‌های اتخاذشده دولت‌ها در جوامع به‌شدت متکثر خودنمایی می‌کند. در خصوص دستورگذاری و مرحله طراحی خط‌مشی‌ها، زمان اجرای خط‌مشی‌ها، چگونگی ایجاد تغییرات ناشی از خط‌مشی‌ها جدید در خصوص گروه‌های متنوع، یکسان بودن نتایج حاصل از خط‌مشی‌ها و توجه به کدام نوع تنوع (نژادی، مذهبی، زبانی و...) دل‌مشغولی‌های دیگری را برای خط‌مشی‌گذاران در عصر جهانی شدن ایجاد کرده است.

تمام این مسائل به‌گونه‌ای ناشی از ارتباط مستقیم تنوع فرهنگی با خط‌مشی‌گذاری در جامعه متکثر محلی و جهانی امروز است؛ برای مثال، ممکن است یک عنصر از تنوع فرهنگی در یک جامعه محلی و ملی اهمیت چندانی برای خط‌مشی‌گذاری نداشته باشد اما در جامعه‌ای دیگر این عنصر، خط‌مشی‌های خاصی را برای شنیدن صدای سکوت به خود اختصاص دهد. اغلب عواملی مثل خشونت در برخورد با تنوع فرهنگی، انعکاس وسیع این برخوردها در سطح جامعه داخل و بین‌الملل، بروز انتقادات و توجه عمومی ایجادشده ناشی از آن باعث بروز این تفاوت‌ها در برخورد و توجه به عناصر تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن بوده است؛ درحالی‌که تغییرات جمعیتی و تنوع فرهنگی در سطح ملی و جهانی ناشی از آن، تا حدودی قابل پیش‌بینی است اما بروز انقلاب‌های اجتماعی و حوادث انتقادی (انتقاد به خط‌مشی‌های تنوع فرهنگی) نوعاً غیرقابل پیش‌بینی هستند.

همان‌طور که بیان شد، گسترش و تشدید ابعاد تنوع فرهنگی (تنوع زبانی، قومی، نژادی، مذهبی، ارزشی و هنجاری) در سطوح ملی و بین‌المللی جوامع بشری ناشی از پدیده جهانی شدن، موجب بروز چالش‌هایی بر سر راه فرایند خط‌مشی‌گذاری دولت‌ها

در سطح ملی و سازمان‌های بین‌المللی در سطح جهانی، از قبیل تنوع فرهنگی مشکل عمومی محلی یا جهانی، دولت- ملت ملی و فراملی، نبود نظام ارزشی بین‌المللی پیرامون تنوع فرهنگی، قدرت و بازیگران جهانی خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی، محیط جهانی به‌عنوان زمینه خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی شده است.

البته واضح است که این چالش‌ها به همین موارد ختم نمی‌شود و مسائلی از قبیل ارائه نظریه‌های علمی مبتنی بر دیدگاه پست‌مدرن (اسمیت و لاریمر، ۱۳۹۲) و پارادایم پیچیدگی (هادی پیکانی، ۱۳۹۵) و یافتن مدل مناسب خط‌مشی‌گذاری با ویژگی‌های جهانی شدن، چگونگی ارائه خدمات عمومی توسط بنگاه‌های خدمات اجتماعی به‌صورت خصوصی و غیردولتی را باعث خواهد شد و نگرانی‌های معمول از قبیل نقش و جایگاه دولت، چگونگی ارتباط متقابل بین مردم و دولت در این‌گونه بنگاه‌ها و مسئولیت‌پذیری و جوابگویی این بنگاه‌ها در قبال مسائل اجتماعی و فرهنگی ملی و بین‌المللی و ... را در پی دارد.

به‌طور کلی می‌توان چالش‌های خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی در عرصه جهانی شدن را ناشی از: الف. ذات اطلاعات و داده‌های مهیاشده برای استفاده مشتریان و مخاطبان جهانی (زبان حاوی اطلاعات که باید به دیگر زبان‌ها ترجمه و قابل فهم گردد)؛ ب. ترجیحات فرهنگی و اجتماعی برای ارائه خدمات اجتماعی به گروه‌های متنوع جامعه جهانی؛ ج. دانش و علم، پیشینه فرهنگی، مهارت‌ها و نگرش‌های خط‌مشی‌گذاران و کارکنان سازمان‌های خدمات عمومی؛ د. گستره خدمات و گزینه‌های انتخاب پیش روی مشتریان و مخاطبان جهانی و هـ. مشاوره‌ها و دیدگاه‌های متفاوت ناشی از خرده‌فرهنگ‌ها به کار برده‌شده در خط‌مشی‌گذاران است (Law Commission, 2004).

ذکر این نکته ضروری است که تعارضات ناشی از تنوع به‌دلیل تفاوت‌های درونی فرهنگ‌ها نیست که با حذف آن‌ها، تقلیل یا کاهش پیدا کند. تفاوت‌ها نشانه‌ای غیر از تفاوت ندارند و تعارضات بیشتر ناشی از برجسته‌سازی تفاوت‌ها در خلاف جهت وحدت اجتماعی و جهانی شدن بوده است. در یک کلام، تنوع درعین‌حالی که منبع قدرتمندی از حیات (زندگی)، خلاقیت و رشد است، می‌تواند علت همه تضادها و کشمکش‌ها در سطح ملی و جهانی باشد (Levin & Rittel, 1994). تنوع همان‌قدر که

باعث جذابیت در زندگی می‌شود به همان اندازه هم ممکن است باعث مشکلات در زندگی بشر در عصر جهانی شدن شود، این خط‌مشی‌های متخذه شده است که منشأ بیشتر این مشکلات است (کارگاه خط‌مشی‌گذاری تنوع فرهنگی، ۲۰۰۲).

یادداشت‌ها

-
1. globalization
 2. assimilation
 3. Lodris Arispe
 4. diversity action
 5. citizen forum
 6. problem finfing
 7. problem solving
 8. M. Waters
 9. internationalization
 10. universalization
 11. liberalization
 12. deterritorialization
 13. modernization- westernization
 14. paradoxical
 15. Z. Bauman
 16. cultural diversity
 17. culture
 18. primordial
 19. instrumental
 20. constitutive
 21. subculture
 22. valiuess diversity
 23. Fiderston
 24. global culture
 25. public policy
 26. Anderson
 27. assimilation model
 28. pluralism model
 29. assimilation
 30. pluralism
 31. plurality-unity
 32. value oriented
 33. policy science of democrocy
 34. context

کتابنامه

- آریسپه، ل (۱۳۷۹)، گزارش جهانی فرهنگ ۲۰۰۰ تنوع فرهنگی، تضاد و تکثرگرایی، تهران: کمیسیون ملی یونسکو.
- احمدی ظ. (۱۳۸۸)، «رادیو و تنوع فرهنگی در ایران امروز»، ماهنامه علمی-تخصصی، سال هشتم، ش ۵۰، ۱۴۲-۱۴۵.
- اسمیت، ک. بی؛ لاریمر، ک. (۱۳۹۲)، درآمدی بر نظریه خط‌مشی‌گذاری عمومی، ترجمه حسن دانایی‌فر، تهران: انتشارات صفار.
- اعتباریان، ا. (۱۳۹۳)، مدیریت در سازمان‌های پیچیده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- الوانی (۱۳۸۱)، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، تهران: چاپ پیام نور، چاپ هشتم.
- بارکر، ک (۱۳۸۷)، مطالعات فرهنگی: نظریه و عملکرد، ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بشیریه، ح (۱۳۸۹)، «جهانی شدن، سیاست و قدرت؛ بحثی در جامعه‌شناسی ارتباطات سیاسی»، فصلنامه بازتاب اندیشه، ش ۱۴.
- پورعزت، ع (۱۳۹۰)، مبانی مدیریت دولتی، تهران: سمت.
- توسلی، غ (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- چلبی، م (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- چمن‌خواه، ل (۱۳۸۹)، الگوی نظری مطالعه تنوع فرهنگی و انسجام ملی در ایران، تهران: انتشارات کمیل.
- حسین‌لی، ر (۱۳۷۹)، اصول و مبانی سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات آن.
- خاشعی، و (۱۳۹۰)، طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی و وزارت عتف.
- ساروخانی، ب (۱۳۷۰)، دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
- سازگارا، پ (۱۳۷۷)، نگاهی به جامعه‌شناسی با تأکید بر فرهنگ، تهران: انتشارات کویر.

- سهرابی رنانی، م (۱۳۸۹)، «نقش به کارگیری مهارت‌های مدیریت تنوع فرهنگی مدیران دبیرستان‌های شهر شاهین‌شهر در سال ۱۳۸۸». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، واحد خوراسگان.
- شاملو، غ (۱۳۷۹)، بعد فرهنگی تجارت جهانی، تهران: سمت.
- صالحی امیری، ر (۱۳۸۵)، مدیریت منازعات قومی ایران؛ نقد و بررسی الگوهای موجود و ارائه الگوی مطلوب، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- همو (۱۳۸۹)، انسجام ملی و تنوع فرهنگی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات، چ ۲.
- قلی‌زاده، ا (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی فرهنگی، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، واحد خوراسگان.
- گرانپایه، ب (۱۳۷۷)، فرهنگ و جامعه، تهران: انتشارات شریف.
- گیدنز، آ (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی، ترجمه م. صبوری، تهران: نشر نی.
- لوی اشتروس، ک (۱۳۷۹)، گزارش جهانی فرهنگ ۲۰۰۰ تنوع فرهنگی، تضاد و تکثرگرایی، تهران: کمیسیون ملی یونسکو.
- مدرس، س و (۱۳۹۲)، «نقش تعارضات میان فرهنگی، همبستگی گروهی و اثربخشی سازمان‌های فرهنگی دولتی شهر اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، واحد خوراسگان.
- مقصودی، م (۱۳۸۰)، تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات ملی.
- هادی پیکانی، م (۱۳۹۵)، درآمدی بر فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان.
- هاولت و رامش (۱۳۸۰)، مطالعه خط‌مشی عمومی، ترجمه عباس منوریان و گلشن، تهران: انتشارات مرکز آموزش دولتی.
- واتسون س د (۱۳۸۳)، کثرت‌گرایی فرهنگی، ترجمه ح. پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- وحید، م (۱۳۹۰)، سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

- Anderson, Charles (1979), "The place of Principle in Policy Analysis", *American Political Science Review*, 73: 711-723.
- Barry, B. (2001), *Culture and Equality: An Egalitarian Critique of Multiculturalism* Cambridge, Polity Press.
- Boston, J.; Callister, P. & Wolf, A. (2006), *The Policy Implications of Diversity*, Wellington, Institute of Policy Studies, Forthcoming.
- Bowen, W. G. & Bok, D. (1998), *The Shape of the River: Long-term Consequences of Considering Race in College and University Admissions* Princeton, Princeton University Press.
- Brown, M. E. (1993), *Ethnic Conflict and International Security*, New Jersey: Princeton University Press.
- Deleon, Peter & Deleon, Linda (2002), "What Ever Happen to Policy Implementation? An Alternative Approach", *Jornal of Public Administration Research and Theory*, 12: 467-492.
- Dye, Thomas R. (1979), *Policy Analysis: What Government do, Why They Do It and What Different it Makes*, Tuscaloosa, al: the University of Alabama Press.
- Dye, Thomas R. (2012), *Understanding Public Policy*, 14th Edition, Pearson Prentice Hall.
- Jobert, Bruno & Muller, Pierre, L. (1984), *Etat en Action Politiques Publiques et Corporatism*, Paris Puf.
- Jones, O. Charles (1984), *An Introduction to the Study of Public Policy*, Monterery, CA: Brooks/ Cole, 77
- Jordan. A. G. (1981), "Iron Triangles, Woolly Corporation and Elastic Nets: Images of the Policy Process", *Jornal of Public Policy*, 1(1): 95-12.3
- Kymlicka, W. (1995), *Multicultural Citizenship*, Oxford: Clarendon Press.
- Ladley, A. (2005), "The Treaty and Democratic Government", *Policy Quarterly*, 1(1): 20-27.
- Lasswell, Harold (1951), *The Policy Orientation, In the Policy Science: Recent Developments in Scope and Method*, ed Daniel Lerner and Harold Lasswell, 3-15, Standford: Standford University Press.

- Law Commission (2004), "New Issues in Legal Parenthood Preliminary Paper", 54, <http://www.lawcom.govt.nz/>
- Levin, B. & Rittel, J. (1994), "Dealing with Diversity: Some Propositions from Canadian Education", *Education Policy Analysis Archives*, 2(2).
- Padioleau, Jean-G. (1982), *Ltat au Cornet*, Paris: PUF.
- Pawson, R. (2002), "Evidence and Policy and Naming and Shaming", *Policy Sciences*, 23(3/4): 211-230.
- Ragin, C. C. (2000), *Fuzzy-Set Social Science Chicago*, University of Chicago Press.
- Rata, E. (2005), "M Protocol and Human Rights", *Dominion Post* 4 October: B5.
- Robertson, R. (1992), *Globalization: Social Theory and Global Culture*, London: Sage.
- Statistics New Zealand (2004), *Report of the Review of the Measurement of Ethnicity Wellington*, Statistics New Zealand.
- Teerikangas S., Hawk (2002), "Approaching Cultural Diversity through the Lenses of System Thinking and Complexity Theory", Available from: <http://citeseer.ist.psu.edu>. (Accessed 1 March 2010).
- Views Expressed at One of Two Workshops Held in September 2002 at Victoria University of Wellington, The Participants in the Workshops Included Departmental Chiefexecutives, Other Senior Officials, and Staff and Students from Victoria University.
- White, N. & Ladley, A. (2005), "Claims to Treaty and Other Rights: Exploring the Terms of the Crown-Negotiation", *Policy Quarterly*, 1(2): 3-9.
- Wolf, A. (2004), "Research Strategies for Policy Relevance", *Social Policy Journal of New Zealand*, 23: 65-85.
- Wood, P. (2003), *Diversity: The Invention of a Concept San Francisco*, Encounter Books.

